

ردپای عرفان در هنر باستانی هند

مهسا وحدت

بنابراین معیار و محک مطلق برای تعیین حقیقت «من» وجود ندارد. انسان و حقیقت وجودی او بر مبنای عالم کبیر است؛ به مجرد اینکه حدود و تمیّات مرتبه صغیر را از دست داد، به خدا می‌رسد پس می‌توانیم بگوییم که کاسموستریسم با عرفان تناسب دارد نه با دین. بدین ترتیب تفکیکی میان هنر دینی و غیردینی قائل نمی‌شویم و هنر هنوان را هنر دینی نمی‌نامیم و به منظور بررسی مقوله هنر نزد آنها، بخشی از دیدگاههای فلسفی و عرفانی ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اعتقاد به روح مطلق که تمام ارواح فردی از آن سرچشمه می‌گیرند و به آن نیز باز می‌گردند، اصل فلسفی آیین هندو را می‌سازد. انتهای این تکامل پیوستن به کمال مطلق است که «نیروانا»^۲ نام دارد و خدایان هندی مظهر سه روح مطلق هستند که به صورت «برهما»، «ویشنو» و «شیوا» تجلی می‌یابند.

دو مفهوم «سامسرا»^۳ و «کارما»^۴ نیز در ارتباط با همین اصل بیان می‌شوند. منظور از سامسرا استحال روح به شکل دیگری از حیات است که بلافاصله پس از مرگ آغاز می‌شود و کیفیت زندگانی این روح نوزاده به «کارما» یعنی نتیجه تمام کارهای زندگی پیشین بستگی دارد.

این اعتقادات سبب شده بود که آنان بیش از هر چیزی به معماری و مجسمه‌سازی روی آورند و با این بینش و تفکر، نقش خدایان خود را به صورت ملموس و محسوس هنر مسیحی. که

نخستین نشانه‌های تمدن و فرهنگ در هزاره سوم پیش از میلاد در اطراف بخش علیای دره رود سند متمرکز شده بود. «موهنجو دارو»^۱ و «هاراپا»^۲ در پاکستان امروزی از مناطق اصلی گسترش این فرهنگ بودند. ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد آریاییان به این منطقه آمدند که نیروهای طبیعی و خدایان مورد پرستش آنها بودند. سرودهای قدیم هندی به نام «وداها»^۳ خطاب به این خدایان سروده شده‌اند و شکل نسبتاً ساده آنها در مجموعه رسالات فلسفی و عرفانی «اوپانیشادها»^۴ تکامل می‌یابد.

نخستین نمونه‌های آثار نقاشان هندی متعلق به حدود سده نخست پیش از میلاد از غارهای «آجانتا»^۵ و «الورا»^۶ به دست آمده‌اند که صحنه‌هایی مربوط به زندگانی بودا هستند و بدین ترتیب نخستین جرقه‌های آفرینش هندی هنوان، مبدایی آسمانی می‌یابد.

خلاقیت در هنر می‌تواند دارای منشأ انسانی (Humanistic) یا منشأ کیهانی (Cosmic) باشد و هنر هنوان قطعاً دارای ریشه‌های کاسموسنتریک (Cosmocentric) هستند.

کاسموستریسم به این معناست که اساسا کار هنرمند بر تناسب میان عالم صغیر و عالم کبیر استوار است و نه صرفاً بر پایه اصالت انسان (Humanism). بدین ترتیب برخلاف فلسفه یونان که انسان مرکز کائنات است در فلسفه هنوان، من (Ego) به هر گونه ممکن است ظاهر شود؛ کوچک بزرگ، جماد یا حیوان.

به تجسم خلاقانه در صورت محسوس می‌پرلخت. ارائه کنند همچنین پختگی و چیره‌دستی آنها در به‌کارگیری سنگهای گران باعث گسترش این هنرها و دادن اهمیت کمتری به هنر نقاشی شده بود.

جنبه‌های کاربردی هنر هننونان از خصوصیتی است که بر پایه عدم اعتقاد آنها به اصالت انسان شکل می‌گیرد. در نظام فکری آنها انسان تنها جزء کوچکی از کائنات است که از ابتداء شایسته حضور در عالم کبیر نیست و تنها در صورتی که بتواند مراحل تکامل روحی و معنوی را طی کند، از عالم صغیر جدا می‌شود. بر همین اساس مباحث زیبایی‌شناسی در هند با بسیاری از مباحث زیبایی‌شناسی معاصر تفاوت عمده‌ای دارد؛ آن‌قدر که شاید حتی واژه «Aesthetic» که از دیدگاه‌های غربی وارد نقد هنری شده است، برای تبیین این مقوله مناسب نباشد. در تفکر هنری هنر هیچ‌گاه جدا از کارهای دیگر نبوده است؛ همیشه دارای انگیزه بوده، همیشه مخاطب داشته و به واسطه همین همیشه کاربرد داشته است و با اینکه نود درصد هنر هند مبتنی بر زیبایی‌نمادین است، برای مردمانش غریبه نیست.

در عصر حاضر در هند عامه مردم هم به موزه‌ها می‌روند. اتفاقی که حتی در کشورهای غربی نمی‌افتد. چون همه مجسمه‌ها و شمایل‌نگاری‌ها اشاره به عوامل محسوس و ملموس زندگی مردم و باورهای اعتقادی آنها دارد. «کوماراسوامی»^۱ می‌گوید که مطابق دیدگاه مدرن، هنرمندیک انسان خاص است با حساسیتی خاص که برتری و تمایزش از دیگران به خاطر همین حساسیت او است و اگر از سوی مردم درک نشود، محکوم به ستون می‌شود. در حالی که مطابق دیدگاه شرقیه، هر انسان نوع خاصی از هنرمند است و هنرمند هیچ‌گاه نمی‌خواهد دیدگاه‌های فردی خود را بیان کند و بعد از اذعان کند که این کار نمایانگر عواطف من است. هر اثر هنری برای کاربردی خاص درست می‌شده است. بنابراین هنر هیچ‌گاه در حاشیه قرار نمی‌گرفته است و تجلی فردیت در آثار هنری صرفاً در ارتباط با جزئیات تکنیکی اثر است نه جوهر هنری آن.

یکی دیگر از خصوصیات مهم هنر هند زبان نمادین است که از همان عدم اعتقاد به اصالت انسان نشئت می‌گیرد. مهمترین نقش‌های سمبلیکی که در هنر آنها مشاهده می‌شود، گل نیلوفر آبی (Lotus) است که تجسمی از بودا را به دست می‌دهد. بودا فرزند حاکم منطقه کوچکی در نیال بود که پس از یک سلسله تجربه و اندیشه، تجملات دنیوی را رها می‌کند و به هنگام عبولت، به شناخت کامل جهان دست می‌یابد. در واقع نوع جهان‌بینی بودا، سرچشمه الهام برای هنرمندان هندی می‌شود که در مینیاتورهای آنها به تصویر درمی‌آید. همان‌طور که گفته شد، یکی از مهمترین نمادهایی که بودا را با آن تصویر می‌کنند گل نیلوفر آبی است. گل نیلوفر دارای گلبرگ‌های زیادی است که همگی حول یک محور می‌چرخند. این مرکز همان مرکز آفرینش و سمبل قدرت خلود تلقی شده است.

در مورد نماد انسان‌گرایی در هنر هندونان باید گفت از آن رو که لسان در بنو تولد کاملاً عریان یا به هستی می‌نگارد و همین‌طور هم از دنیا می‌رود، در هنر این کشور، به این صورت تصویر شده است. همین‌طور فرم بدن زن یکی از اساسیترین نرمها در هنر آنها بوده است. اما بدان جهت که زایش بدون وجود مرد میسر نمی‌شود، فرم بدن زن را در کنار درختی به تصویر کشیده‌اند و درخت نماد وجود مرد تلقی شده است.

ز دیگر سمبلی‌ها می‌توان به رودخانه‌هایی اشاره کرد که نمادانش علم قرار گرفته و به الهه بیان و دانش نهره شده‌اند. به طور مثال، رودخانه «سرسوتی»^{۱۱} الهام بخش هنرمندان و مضامین جانها بوده است.

نکته حائز اهمیت دیگر در این مقوله این است که هنرمند هندی ارزش بسیاری به گل و گیاه و نقوش گیاهی داده است. همین‌طور در اعتقادات هندی ریشه حیات از نی سرچشمه گرفته است که به آن «آب ازلی» می‌گویند و زمین که به عنوان «زمین ملار» است و به ما غذا می‌دهد تبدیل به الهه و سمبل می‌شود.

نکر پرشتاب‌المانها و نمالهای هنر هندونان که بی شک هر کدام دارای جایگاه پژوهشی عمیق اند، به هیچ‌عنوان نمی‌توانند آنچه را که حق مطلب است به‌جا بیاورند، اما کنار هم قرار دادن این نشانه‌ها می‌تواند نکته‌ای را هویدا سازد که حکایت از کوششی تاریخی دارد. کوششی برای ترک دایگاه زمینی و رسیدن به آسمان. گویی هنرمند هندی با خلق اثر خود می‌خواهد به آکسیری متالی برسد به کمال بطق، «نیروانا».

فهرست منابع



۱. واتسایان، کاپلا، هنر از دیدگاه هننونان، مجله کله، شماره ۱۱، آبان ۱۳۳۲.
۲. نازین، لاکشمی، نگاهی اجمالی به هنر نقاشی هند و اندیشه‌های عرفانی آن، مجله هنرنامه، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۷۸.
۳. دکرو، امیرحسین، زیبایی‌شناسی در شرق، ویژه‌کفرانس معنای بیایی، شماره ۳.
۴. گاردنر، هلن، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدمتقی نازری، تهران، انتشارات آناه ۱۳۶۵.

پی نوشتها

1. Mohenjo - daro
2. Harappa
3. Vadas
4. Upanishad
5. Ajanta
6. Exora
7. Nravana
8. samsara
9. Karma
10. Kumaraswani, kamaraj
11. Sara Suati